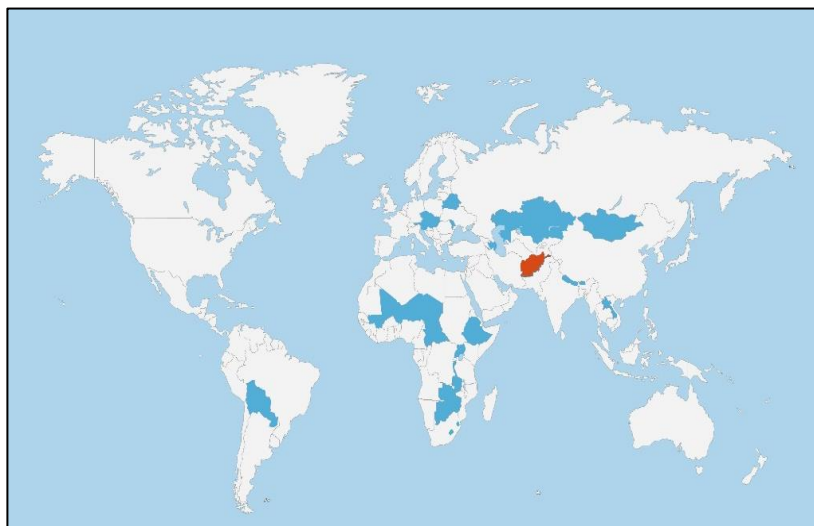




داکتر ضیا نظام

۲۸ می، ۲۰۲۷

حقوق کشورهای محاط در خشکه در حقوق بین الملل قسمت دوم



مقدمه

در زمره کشورهای مستقل جهان که عضویت سازمان ملل متحد را نیز حایز می باشند، به تعداد ۴۳ کشور آن که بیشتر از یک بر پنجم ۱/۵ ممالک جهان را احتوا می کند، عبارت از کشورهای اند که فاقد ساحل بحری بوده، دسترسی مستقیم به ابحار آزاد را ندارند، که برای آن ها یک محرومیت دایمی و یک مشکل بزرگ بوده و آن ها را از سواحل دور نگه داشته است. لذا این نابرابری جغرافیایی که از طریق دیگر نمی توان آن را جبران کرد، توسط حقوق بین الملل به خصوص ذریعه حقوق بحر تا اندازه حل گردیده و یک چارچوب و رژیم حقوقی خاصی را به نفع همچو کشورها مقرر داشته که متضمن آزادی دسترسی به بحر و حق استفاده از منابع بحری را شامل است.

رسیدن به بحر و استفاده از آن برای این کشورها معنی دسترسی به این مأمول را دارد که باید کالاهای و اشخاص مربوط این ممالک از قلمرو یک یا چند کشور دیگر عبور کند تا به راه های

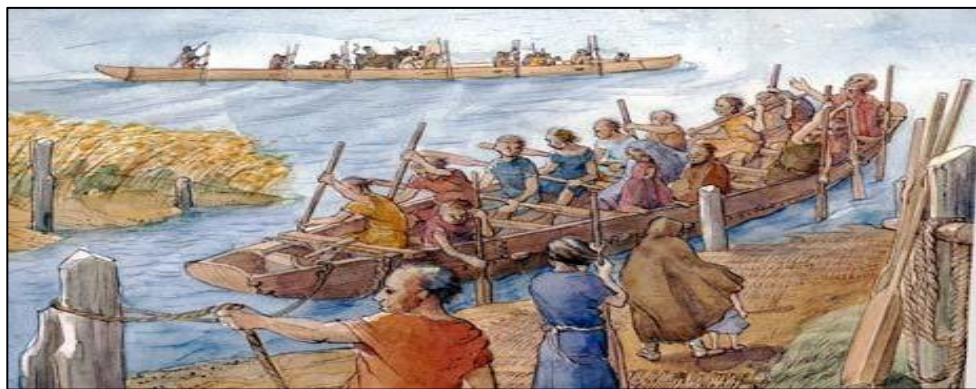
عمده بحری از طریق یک بندرگاه ساحلی برسند.

باید گفت که ابحار در مجموع ۷۱ فیصد سطح کره زمین را پوشانده و در عرصه حیات بشریت اعم از امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارای اهمیت زیاد می باشد. در طول تاریخ ابحار دو وظیفه عمده را ایفاء نموده اند:

یکی اینکه راه عبور و مرور آزاد بین کشورها و براعظم ها بوده، دوم اینکه یک منبع بزرگ موجودات زنده و معدنی محسوب می شوند. ابحار از زمانه های بسیار قدیم به عنوان راه های اصلی تجارت بین المللی و راه های ارتباط کشورها با یکدیگر شناخته شده و قسمت عمده تجارت جهانی خاصاً از لحاظ وزن اجناس که حمل و نقل آن از طریق خشکه تکلیف آور و پر مصرف است، از طریق بحر صورت گرفته که با نظر داشت مصارف کرایه و غیره تسهیلات لازم را در بر داشته و تا امروز ارزانترین طریق ترانسپورت محسوب می شود.

اکثریت بزرگ کشورهای محاط به خشکه عبارت از ممالک فقیر و در حال رشد بوده و تعداد زیاد شان در ردیف کشورهای کمتر انکشاف یافته یعنی نادرترین ممالک رو به انکشاف قرار دارند، لذا آن ها به منظور پیشرفت و انکشاف شان ضرورت داشته که با سایر کشورهای دیگر جهان تجارت و داد و ستد داشته باشند و این تجارت بین المللی و تبادل کالاهای باید سریع، مطمئن، با مصارف کم و به نرخ نازل یعنی ارزان باشد. از این لحاظ برای انکشاف و توسعه این ممالک، آزادی ترانزیت و دسترسی به بحر یک موضوع حیاتی و ضروری شمرده می شود.

علاوه بر طی فاصله زیاد و مصارف گزاف ترانسپورت کالاهای این کشورها با عبور از قلمرو یک کشور دیگر مشکلات و چالش های زیاد حقوقی، اداری، مالی و سیاسی را در بر می گیرد. لذا ممالک محاط در خشکه منحصراً یک گروپ مشخص در سیستم بین المللی سیاسی و اقتصادی عرض اندام نموده اند، که بعداً مورد بررسی قرار می گیرد.



قابل یادآوری است علاوه بر اینکه ترانسپورت و حمل و نقل از طریق بحر از قرن ها قبل مورد علاقه انسان بوده بلکه به لحاظ ضرورت های فزاینده بشر به استفاده از منابع زنده ابحار ضرورت

بیشتر ایجاد گردیده است و از شروع قرن ۲۰، بیشتر به این منابع ضرورت پیدا گردیده، نظر به آمار ارائه شده از طرف انستیتوت پاسفیک اوقیانوس، هاوایی- ۹۹ فیصد موجودات زنده در ابحار کره زمین زندگی می کنند.^۱

منابع معدنی اوقیانوس ها نیز در طی نیم قرن اخیر توجه کشورها را بیشتر جلب کرده است. ذخایر قابل استفاده در کف اوقیانوس ها وافر بوده و برای ممالک که توانایی استفاده از آن را دارند نهایت مهم می باشد، عدم امکان استفاده از منابع بحری به خصوص از منابع بحر آزاد و منطقه بین المللی^۲ توسط کشورهای در حال توسعه و مخصوصاً ممالک محاط در خشکه باعث آن گردیده که کشورهای محاط به خشکه و ممالک دارای وضع جغرافیای نامساعد خواستار سهم عادلانه و دسترسی به این منابع شوند. جهت برآورده شدن این مأمول، کشورهای محاط در خشکه یکجا با ممالک ساحلی که در وضعیت جغرافیای نامساعد قرار داشتند، تشکیل یک گروپ غیر رسمی به عنوان گروپ فشار مذاکراتی، در کنفرانس ۱۹۸۲م عرض وجود کرد. این گروپ سعی نمود تا در جهت حق دسترسی به بحر و از بحر و ایجاد منطقه بین المللی به نام میراث مشترک بشریت تأکید نماید. گرچه کشورهای ساحلی در کنفرانس دست بالا داشتند، اما با وجود آنهم گروپ فشار فوق الذکر توانست یک عده دست آوردهای داشته باشند. کنوانسیون حقوق بحر ۱۹۸۲م (مونتی گوبی) که از مهمترین اسناد بین المللی است، و بعضاً به نام حقوق اساسی بحر ها نیز یاد می گردد و یک کنوانسیون جامع است، در بر گیرنده یک سلسله مقرراتی شامل تمام موضوعات بحری می باشد. این مقررات در زمینه های حق دسترسی و ترانزیت ممالک محاط در خشکه، موضوع مشارکت این ممالک در فواید ناشی از استفاده از بحر آزاد و منطقه اعماق ابحار و همچنان سهم در منابع زنده منطقه انحصاری اقتصادی کشورهای ساحلی که دارای عرض ۲۰۰ مایل بوده، می باشند.

در این کتاب مساعی به خرج داده شده است تا حقوق، تکالیف و وجایب ممالک محاط در خشکه به ارتباط حقوق بحر مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد، لذا توجه اساسی به موضوعات حقوقی معطوف گردیده و همچنان تلاش شده است تا سایر موضوعات عمده اقتصادی در رابطه به اصل موضوع فراموش نگردد.

البته هدف اصلی این است که موضوع حقوقی تمام کشورهای محاط در خشکه تحت مطالعه و بررسی قرار گیرد و کوشش به عمل آمده است تا وضعیت و حالت افغانستان من حیث یک کشور بی ساحل و محاط در خشکه به صورت خاص مدنظر قرار داده شود. اما قبل از بررسی و دقت در موضوعا

^۱ - Oceanic Institute پوهنتون هاوایی پاسفیک ۲۰۲۰م

^۲ بحر آزاد و منطقه بین المللی در قسمت دوم این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. -

مورد نظر که عبارت است از:

- دسترسی به بحر برای کشورهای محاط در خشکه،

- دسترسی این ممالک به منابع بحری و استفاده از آن،

به طور مختصر، در مقدمه به تاریخچه انکشاف حقوق ممالک محاط در خشکه تعریف و خصوصیات جغرافیایی و مشخصات اقتصادی کشورهای محاط در خشکه پرداخته می شود.

الف - پس منظر یا تاریخچه:

موضوع دسترسی به بحر و استفاده از بحر در اواخر قرن ۱۸ توجه جهانیان را به خود معطوف داشت که در جهت انکشاف حقوق بین الملل سهم بارزی را ایفاء نموده است. این مشکل اولین بار در مورد حقوق دریانوردی مطرح گردید و طی آن راه حلی پیدا نمود، زیرا دریاهای بزرگ قابل کشتی رانی که از چندکشور عبور کرده و بالاخره به بحر منتهی می شد، راه های اساسی مواصلات شمرده می شدند که به این وسیله در مورد دسترسی کشورهای محاط در خشکه اروپایی به بحر کمک زیاد نمود. مگر بعد از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸م) در زمینه انکشافات سریع به عمل آمد و معاهدات زیاد دو جانبه و چندین جانبه به ارتباط ترانزیت و دسترسی ممالک محاط در خشکه به بحر و از بحر انعقاد یافت، از جمله می توان امضای میثاق مشهور بارسلونا^۳ منعقد ۲۱ اپریل ۱۹۲۱م یادآور شد. این میثاق و ستاتیوی منضمه آن در تدوین اسناد بعدی بین المللی تأثیر زیاد داشته است.

همچنین تصویب اعلامیه بارسلونا در مورد افزایش بیرق های کشورهای محاط به خشکه در فراز کشتی های مربوطه آن ها یک سند معتبر بین المللی در زمینه به شمار می رود که برای اولین بار چنین اعلامیه در سال ۱۹۲۱م به سطح جهانی صادر گردید.

بعد از جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵م) خاصاً بعد از سال ۱۹۵۶م این موضوع بار دیگر به ابتکار ممالک محاط به خشکه مورد بحث و مذاقه قرار داده شد که در نتیجه بعضی مواد میثاق ژینو/جینوا در مورد بحر آزاد و میثاق ژینو/جینوا در زمینه آب های ساحلی در ارتباط موضوعات این کشورها اختصاص یافت.

باید متذکر شد که تلاش های دوامدار کشورهای محاط به خشکه جهت انعقاد یک کنوانسیون جامع به صورت پیگیر ادامه داشت. هدف اساسی این تلاش ها و تشریک مساعی این بود که در جهت تکافوی موقعیت جغرافیایی نامساعد شان یک سلسله امتیازات باید به آن ها عطا گردد، و همچنان نقیصه پراکنده گی مقررات در اسناد مختلف بین المللی رفع گردد و این حقوق و مقررات در یک سند واحد توحید و تنظیم شود. این مأمول تا حدودی در چهارچوب کنفرانس ملل متحد برای تجارت

مرکز ایالت کاتالونیا کشور شاهی اسپانیا است که در آنجا این میثاق عقد و امضاء شده است. BARCELONA- شهر بارسلونا^۳

و انکشاف و یا انکتاد^۴ در سال ۱۹۶۴م که در ژینو/جینوا (سویس) انعقاد یافت برآورده شد. در کنفرانس مذکور در این جهت تصامیم لازم اتخاذ گردید. یک کمیسیون ۲۴ عضوی متشکل از متخصصین تشکیل شد تا مسوده کنوانسیون مورد نظر در مورد تجارت و ترانزیت کشورهای محاط به خشکه را ترتیب و تدوین نماید.

کمیسیون مذکور از تاریخ ۲۶ اکتوبر الی ۲۰ نوامبر ۱۹۶۴م در نیویارک جلسه نموده و کنوانسیون مورد نظر را تسوید و به مقصد بررسی و غور مزید، یک کنفرانس باصلاحیت از تاریخ هفتم جون الی هشتم جولای ۱۹۶۵م در نیویارک دایر گردید و به تاریخ هشتم جولای کنوانسیون ممالک محاط به خشکه عقد گردید. به این ترتیب برای اولین بار میثاق به صورت مشخص در باره ترانزیت کشورهای محاط به خشکه تصویب شد. این کنوانسیون دارای یک مقدمه و ۲۵ ماده می باشد.^۵

با تصویب این کنوانسیون تلاش های ممالک محاط به خشکه پایان نیافته بلکه در چهارچوب کنفرانس سوم حقوق بحر ادامه یافت که در نتیجه کار چندین ساله این کنوانسیون در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲م در شهر مونتی گوئی کشور جامیکا به امضاء رسید. این کنوانسیون منبع اصلی حقوق بحر بوده و بخش دهم آن به حقوق کشورهای محاط به خشکه اختصاص یافته است.

قابل یادآوری است که تا اوایل قرن ۲۰ کشتی رانی و ماهی گیری تنها استفاده های مهم ابحار شناخته می شدند، اگرچه هر دو مورد مذکور هنوز هم از اهمیت خاص خود برخوردار است، اما در پهلوی آن ها حالا موضوعات دیگر دارای اهمیت زیاد عرض وجود کرده است که برجسته ترین آن برای کشورهای محاط به خشکه موجودیت ذخایر معدنی بستر ابحار می باشند که به نام ثروت مشترک بشریت یاد می گردد، و هنگام تدویر کنفرانس سوم حقوق بحر در زمینه امیدواری ها به پیمانۀ وسیع وجود داشت که اکنون به آن حد و پیمانۀ محسوس نیست، ولی باز هم ثروت قابل ملاحظه مخصوصاً در آینده ها برای همه کشورها خواهد بود.

دسترسی به بحر آزاد و استفاده از موجودات زنده و مواد معدنی آن حق مسلم هر کشور محاط در خشکه می باشد. با نظر داشت همین نظریات و واقعیت های عینی ممالک محاط در خشکه در این کتاب مورد بررسی قرار می گیرد. اما در اینجا به تعریف و دیگر مشخصات ممالک پرداخته می شود.

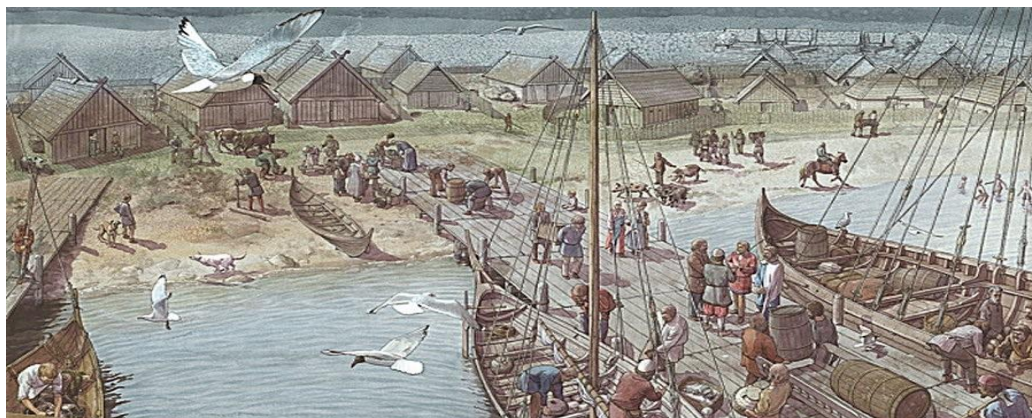
به اختصار انکتاد نامیده می شود که در UNITED NATIONS CONFERENCE ON TRADE AND DEVELOPMENT - ۴ سال ۱۹۶۴م به حیث نهاد دایمی سازمان ملل متحد تأسیس گردید و جزء سکرتریت سازمان ملل متحد می باشد. انکتاد جهت آزادی و انکشاف تجارت در پشتیبانی از کشورهای در حال انکشاف فعالیت می نماید. کنوانسیون کنفرانس نیویارک نماینده گان ۵۸ مملکت منجمله ۲۳ کشور محاط به خشکه و ۱۱ مملکت ناظر شرکت ورزیده بودند، و - در ۵ نیویارک به تاریخ ۹ جون ۱۹۶۷م مرعی الاجراء گردید.

ب - تعریف ها و مشخصات جغرافیایی:

در این قسمت عمدتاً به تعریف کشور محاط در خشکه، کشور ترانزیت و ترافیک ترانزیت پرداخته و همچنان مختصراً کشورهای دارای موقعیت جغرافیای نامساعد تعریف می گردد. در کنوانسیون حقوق بحر ۱۹۸۲ م ممالک محاط در خشکه به عبارات ذیل تعریف شده اند:

«کشور محاط در خشکه به دولت اطلاق می گردد که فاقد ساحل بحری باشد.» (ماده ۱۲۴ پاراگراف الف) به عبارت دیگر مملکت که به بحر آزاد دسترسی نداشته باشد و محصور بین قلمروهای خشکه یعنی همسایه گان خویش باشد و دسترسی این ممالک به بحر با عبور از خاک کشور دیگر صورت گیرد.

طبق ماده ۱۲۴ پاراگراف (ب) کنوانسیون حقوق بحر؛ کشور ترانزیت چنین تعریف گردیده است: «کشوری که با یا بدون یک ساحل بحری بین یک کشور محصور در خشکه و بحر قرار گرفته و از میان قلمرو آن رفت و آمد ترانزیتی انجام می شود.» همچنین در این ماده، ترافیک ترانزیت یا عبور و مرور ترانزیت چنین تعریف شده اند:



«عبور اشخاص، بار سفر، کالاها، وسایط نقلیه از خاک یک یا چند کشور زمانی که عبور آن ها از قلمرو متذکره بخشی از یک سفر کامل بحری باشد که از داخل قلمرو کشور محاط در خشکه شروع یا پایان می یابد.»

لذا ممالک محاط در خشکه دسترسی مستقیم به بحر و منابع آن نداشته و برای رسیدن به بحر از سر زمین کشورهای دیگر که سر راه شان قرار دارند، عبور کنند و اکثراً این عبور مستلزم پرداخت عوارض سنگین است.

اما این مشکل برای همه کشورهای محاط در خشکه یکسان نبوده و از همین لحاظ بعضی شان مشکل کمتری دارند و یکتعداد شان دریاها یا قابل کشتی رانی که به بحر می ریزند دارند که این موضوع به دسترسی به بحر کمک می نماید. به هرصورت مشکلات ممالک محاط در خشکه جهت دسترسی به بحر یک اندازه نمی باشد.

امروز در جهان ۴۴ کشور محاط در خشکه وجود دارد. در میان آن ها ۱۶ کشور افریقایی، ۱۲ مملکت آسیایی، ۲ کشور در امریکای جنوب و ۱۴ مملکت آن اروپایی است. بدین ترتیب ۱۵ کشور در اروپا محاط در خشکه بوده، همچنان کوسوو نیز محاط به خشکه است و از طرف ۱۰۲ کشور جهان به رسمیت شناخته شده، گرچه صربیا ادعا دارد که جزء آن کشور است، و روسیه از این موقف صربیا پشتیبانی می نماید و به همین سبب مخالفت روسیه، تا به حال عضویت سازمان ملل متحد را حاصل نکرده است.

ادامه دارد